

▲ مقدمه

در بین سلسله جلسات آموزشی- تربیتی که معمولاً یک مربی با حضور مخاطبین خویش برگزار می نماید، چند جلسه است که، از نقش کلیدی تر و تعیین کننده تری نسبت به سایر جلسات برخوردارند و اثر بخشی و ماندگاری تأثیرات آن ها بیش از سایر جلسات محسوس و مشهود است.

در بین این جلسات معمولاً جلسه اول و آخر جایگاه ویژه ای دارند. هر چند نباید از اهمیت پیش جلسه، یعنی جلسه قبل از آغاز جلسات رسمی، به خصوص برای شخص مربی غافل بود زیرا در این جلسه که می تواند به شکل غیر رسمی نیز برگزار شود، فواید زیادی بر آن مترتب است.

اساساً بستر سازی مناسب، جهت وقوع بهینه پدیده یادگیری (تغییر رفتار) به عنوان اصلی ترین اهداف برگزاری جلسات درسی، مستلزم ارائه آموزش مناسب و آن نیز در پرتو کسب شناخت کافی نسبت به مخاطبین از سوی مربی صورت می گیرد. حصول این شناخت نیز بدون برقراری ارتباط عاطفی با فراگیران ممکن نیست.

یادگیری آموزش کسب شناخت ارتباط عاطفی

▲ جلسه اول

جلسه اول که عنوان « معارفه » زیننده آن است - در صورت طراحی درست و اجرای صحیح - می تواند نقش بارز و برجسته ای در تعمیق ارتباط دو جانبه (مربی- فراگیران)، ایجاد نگرش مثبت و تقویت انگیزه های حضور فعال فراگیران در کلاس درس داشته و به یکی از به یاد ماندنی ترین جلسات درسی مبدل شود.

▲ معارفه

الف) معرفی درس

- نام
- اهداف
- منابع مورد استفاده
- شیوه های ارائه
- تکالیف مقرر
- انتظارات طرفین
- اهمیت و فایده درس مربوط
- شیوه های مطالعه و یادگیری درس مورد نظر
- نظام ارزشیابی درس

- ارزشیابی آغازین

ب) معرفی مضاف

- فراگیران: (بیان انتظارات و خواست ها)
- مربی: (بیان انتظارات و خواست ها)

▲ معرفی درس

- نام: روش ها و فنون کلاسداری
- اهداف: کمک به فراگیران برای کسب دانستنی ها، نگرش ها و مهارت های ضروری و لازمه کلاسداری.

▲ منابع مورد استفاده

- مطالب و مباحث مطرح شده در کلاس
- جزوه درسی تنظیمی موجود
- مهارت های آموزشی و پرورشی (شعبانی)
- راهبرد های تدریس (مهبجور)
- کلیات روش ها و فنون تدریس (صفوی)
- الگو های نوین تدریس (ترجمه بهرنگی)
- مهارت های یادگیری (مهر محمدی)
- درآمدی بر روش ها و فنون تدریس (پاک)

▲ شیوه های ارائه

سخنرانی، پرسش و پاسخ، ساختار گرایی، کارگاهی، نمایش دیداری، بارش فکری، مستقل خوانی و....

▲ تکالیف و وظایف

- حضور به موقع، فعال و با نشاط در کلاس
- مشارکت در اجرای تک مهارت ها
- اجرای یک تدریس مستقل

▲ ارزشیابی

- کتبی: ۱۰ نمره
- عملی: ۱۰ نمره

(حضور مستمر و فعال در کلاس ۲ نمره، اجرای تک مهارت ها ۳ نمره و اجرای تدریس مستقل ۵ نمره)

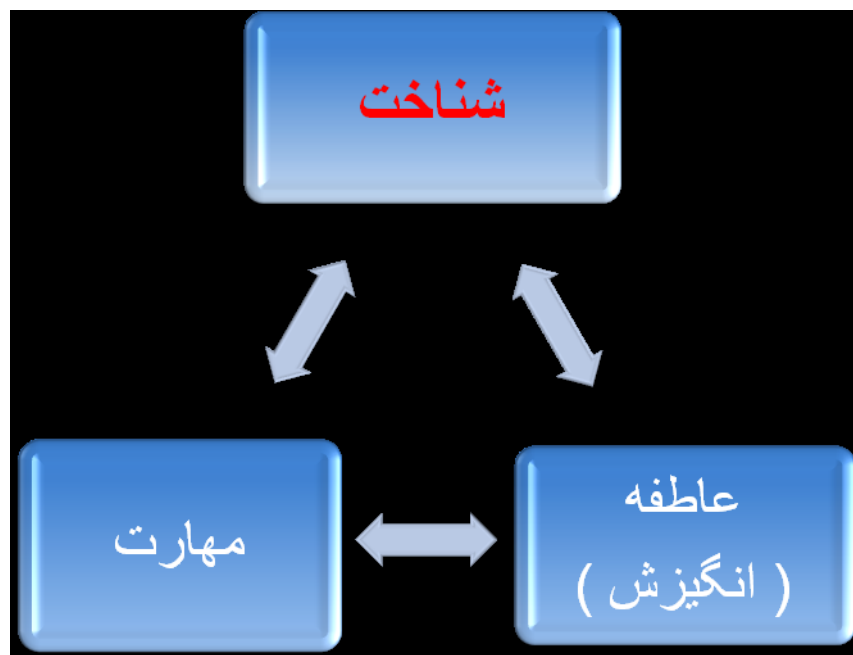
▲ اهمیت تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش)

- تعلیم و تربیت تسهیل کننده سیر استکمالی انسان است.
- تعلیم و تربیت نقطه آغاز توسعه همه جانبه است.
- با استناد به برخی اقوال و اعمال روان شناسان می توان تا حدودی به اثبات اهمیت مقوله تعلیم و تربیت پرداخت.
- با بررسی و تحلیل وضعیت کشور آلمان در خلال جنگ جهانی اول و مقایسه آن با اوضاع امروز آن کشور- به عنوان یک واقعه تاریخی- می توان اهمیت مقوله تعلیم و تربیت را اثبات نمود.
- به عنوان فصل الخطاب و حسن ختام این مبحث، می توان از رهگذر مقایسه جایگاه فروع دین و تعلیم و تربیت در بینش و فرهنگ اسلامی، نوع نگاه مکتب اسلام به تعلیم و تربیت را دریافت.

▲ جایگاه مربی در میان عناصر آموزشی

مربی بدون تردید کلیدی ترین عنصر در میان عناصر آموزشی محسوب می شود (با وجود برنامه صحیح، کلاس های ایده ال، کتاب های مناسب، در غیاب مربی علاقمند و آماده، یاد گیری قابل توجهی صورت نمی گیرد اما یک مربی با درایت می تواند با بهره گیری از قوه ابداع و قدرت خلاقیت خویش ضعف های احتمالی موجود در عناصر مزبور را نه اینکه صد در صد ریشه کن نماید، ولی می تواند با استفاده از نبوغ خویش تا حدود بسیار زیادی از شدت مشکلات مذکور بکاهد در حالی که عکس آن تقریباً ممکن نیست).

▲ مربی ذی صلاح



▲ صلاحیت های مورد نیاز یک مربی (معلم)

- صلاحیت های حوزه شناختی
- صلاحیت های حوزه نگرشی
- صلاحیت های حوزه مهارتی

الف) صلاحیت های قلمرو شناختی

۱. شناخت فرایند یاد دهی- یاد گیری
۲. شناخت یاد گیرنده
۳. شناخت خود
۴. شناخت موضوع درس و مباحث پیرامونی
۵. شناخت اهداف و اصول تعلیم و تربیت
۶. شناخت فرایند پژوهش

ب) صلاحیت های قلمرو نگرشی

۱. علاقه به تدریس و ماده درسی
۲. علاقه به شاگردان
۳. علاقه به علم آموزی مداوم
۴. روحیه تعهد و صداقت در کار

ج) صلاحیت های قلمرو مهارتی

۱. مهارت تهیه طرح درس
۲. مهارت برقراری ارتباط موثر
۳. مهارت استفاده از روش های فعال تدریس
۴. مهارت استفاده از کتابخانه ها و منابع اطلاع رسانی
۵. مهارت ارزشیابی پیشرفت تحصیلی
۶. مهارت مشارکت و همفکری با سایر عناصر آموزشی

▲ کلاس جذاب و دلپذیر

- مربی
- متن و محتوای درس
- فضای کلاس

◀ مرئی

- علمی
- رفتاری
- روشی
- مدیریتی

الف (علمی

- تسلط
- پاسخ گویی
- استفاده از منابع جدید

ب (رفتاری

- شادابی
- احترام به فراگیر
- پوشش ظاهری
- اعتماد و خوش گمانی
- پرهیز از غرور

ج (روشی

- جذاب تر
- نتیجه بخش تر
- حصول یادگیری در آن سهل الوصول تر

د (مدیریتی

- وضع قوانین انعطاف پذیر
- پرهیز از تهدید
- قاطعیت
- استفاده از شیوه های نفوذ در فراگیران

◀ متن و ممتوای درس

- غنی

- جذاب
- متناسب با نیازهای مخاطبین
- برخوردار از اصول و تکنیک های فناوری آموزشی

◀ فضای کلاس

- فضای معنوی و آموزشی (باز، منعطف، منطقی و با تفاهم)
- فضای مادی و فیزیکی (محدوده کلاس، موقعیت جغرافیایی، صندلی و نیمکت، رنگ و تمیزی و تابلو و وسایل گرمایشی و سرمایشی)

▲ نقش تک مهارت ها در فعالیت های یاددهی - یادگیری

تدریس یکی از فعالیت های کلانی است که به آسانی می توان آن را در قالب یک مجموعه یا یک نظام کلی به تصویر کشید و زیر مجموعه های ریز و درشت آن را شناسایی کرد. متخصصان تعلیم و تربیت سالهاست در انجام این مهم اهتمام ورزیده، اجزای مختلف کوچک و خرد نظام تدریس یا مهارت های تدریس را شناسایی کرده اند و آن ها را تک مهارت ها خوانده اند. برای هر یک از تک مهارت ها تعریفی خاص داده اند و مختصات و ویژگی های آن ها را برشمرده اند. تک مهارت های تدریس را می توان از طریق تمرین و ممارست به مرحله ی ورزیدگی و گاه فوق ورزیدگی رساند. مربیان نیز، بنا به استعدادها و توانمندی های فردی خویش، در پاره ای از تک مهارت های حرفه ای خود به ورزیدگی های بارز و آشکار و قابل قبولی می رسند. به طوری که با برجسته کردن آن تک مهارت (ها) سایر مهارت های کوچکتر را کم رنگ جلوه دهند یا آن ها را به طور ضمنی به اجرا می گذارند.

عمده ترین تک مهارت های شناخته شده در فعالیت های یاددهی - یادگیری عبارتند از:

- مهارت آماده شدن قبل از ورود به کلاس
- مهارت طراحی تدریس (تهیه طرح درس)
- مهارت ورود به کلاس
- مهارت برقراری ارتباط عاطفی با کلاس
- مهارت ارزشیابی تشخیصی
- مهارت ارائه درس
- مهارت شروع دلچسب و رغبت انگیز درس: (معرفی موضوع و اهداف درس)
- مهارت بیان ساده و قابل فهم
- مهارت به کار بردن کلمات خوب و با ارزش

- مهارت پرسش و پاسخ
- مهارت ایجاد و تقویت انگیزه در مخاطبین
- مهارت پیوند مطالب درسی با زندگی روزمره و آینده
- مهارت باورمند سازی
- مهارت متابعت سازی
- مهارت استفاده از کارافزارهای آموزشی
- مهارت تشویق و تنبیه ترغیب کننده
- مهارت خلق مثال های راه گشا
- مهارت گوش دادن
- مهارت به اجرا گذاشتن کارهای گروهی
- مهارت کشف استعدادها و شکوفا کردن خلاقیت های ذهنی دانش آموزان
- مهارت مدیریت کلاس
- مهارت توجه به تمامی فراگیران
- مهارت ارتباط غیر کلامی
- مهارت ارزشیابی
- مهارت جمع بندی
- مهارت تعیین تکلیف
- مهارت پایان بخشیدن به کلاس درس .

◀ مهارت آماده شدن قبل از ورود به کلاس

برگزاری یک پیش جلسه به صورت غیر رسمی و با اهداف زیر:

۱. آشنایی کافی با نام و نام خانوادگی کامل و دقیق مخاطبین
۲. شناسایی بیماری های خاص (احتمالی) مخاطبین
۳. مطلع شدن از گرایش های شغلی، فکری، فرهنگی و حساسیت های مختلف والدین فراگیران
۴. مشکلات خاص خانوادگی (احتمالی) مخاطبین
۵. آماده کردن مطالبی برای ارائه در اولین جلسه رسمی درس .

◀ مهارت طراحی تدریس (طرح درس)

تهیه طرح درس، انتخاب مطالب مناسب (توجه داشتن به ضرورت ها و غیر ضرورها) و ابزارها و لوازمی که برای اجرای آن مورد نیاز است.

تعریف

۱. برنامه‌ریزی فعالیت‌های مربی برای یک زمان معین.
۲. برنامه‌ای است مدون، منظم و منطقی که مربی برای ارائه درس آن را تهیه می‌کند.

انواع (بر اساس زمان)

- جلسه‌ای
- روزانه
- هفته‌ای
- ماهانه
- ترمی
- سالیانه

فواید

۱. نظم دادن به کار مربی و ترتیب منطقی دادن به آن.
۲. مانع فراموشی فعالیت‌های اساسی فرایند تدریس - یادگیری می‌شود.
۳. اعتماد به نفس مربی را افزایش می‌دهد.
۴. ارزشیابی از کار مربی را آسان می‌کند.
۵. کمک به مربی جهت استفاده بهینه از زمان.

ارکان برنامه

- هدف
- روش
- وسایل
- ترتیب عمل
- ارزشیابی

ضرورت هدف

نوع انسان‌ها: جهت حرکت انسان را مشخص می‌کند؛ به انسان توانایی انتخاب وسایل مناسب را می‌دهد و انسان را قادر به ارزیابی فعالیت‌هایش می‌نماید.

برای مربیان: مربی با پنج عنصر دائماً سر و کار دارد:

- محتوی
- روش تدریس
- رسانه‌های آموزشی
- تجربیات یادگیری
- نظام ارزیابی

مفهوم هدف

نقطه‌ای که می‌خواهیم به آن برسیم؛ انتظاراتی که در پایان درس از یادگیرنده وجود دارد؛ نتایجی که انتظار می‌رود در پایان یک درس یا جلسه آموزشی یا سلسله فعالیت‌های تعلیمی - تربیتی عاید فراگیران شود؛ شرح تغییراتی است که باید در رفتار متعلم صورت بگیرد.

انواع هدف

۱. اهداف کلی: مثلاً در بحث روزه هدف کلی شناسایی روزه به عنوان یک واجب الهی است.
۲. اهداف جزئی: مثلاً فلسفه روزه، انواع روزه، مبطلات روزه و ...

مهارت ورود به کلاس

نحوه ورود مربی، در هر جلسه، به کلاس هم مهم است زیرا بیشتر قضاوت افراد (فراگیران) متأثر از اولین برخوردها است. اگر مربی، با انگیزه، با نشاط و صمیمانه وارد کلاس شود اثر مثبت روانی بر فراگیران خواهد داشت اما اگر با حالت کسلی و خستگی وارد شود قطعاً این اثر منفی خواهد بود بنابراین مربی در هنگام ورود به کلاس به گونه‌ای باید وارد شود که فراگیران متوجه حضور او شوند یعنی در هنگام ورود با عجله وارد نمی‌شود در ب می‌زند با چهره گشاده به دانش‌آموزان لبخند می‌زند و پس از سلام کردن وارد کلاس می‌شود.

◀ مهارت برقراری ارتباط عاطفی با کلاس

وقتی مربی در جایگاه خود قرار گرفت ارتباط خود را با فراگیران بیشتر می کند با ایشان احوالپرسی می نماید و در هنگام حضور و غیاب کمی هم با شاگردان خوش و بش می کند و از غایبین سراغ می گیرد و علت غیبت آن ها را جویا می شود. (بعد از آشنایی مربی با فراگیران بهتر است بعد از آن در هر جلسه حضور و غیاب از حالت صدایی به نگاهی تغییر داده شود. چون هم وقت کمتری گرفته می شود و هم از نظر عاطفی تاثیرات مثبت فراوانی در ارتباط موثر دارد.) بهتر است مربی کلاس خود را با نام و یاد الهی شروع نموده و از مناسبت های هر روز بهره گیری تربیتی و اخلاقی مناسب را بنماید.

◀ مهارت در شروع دلپسب و رغبت انگیز درس: (معرفی موضوع و اهداف درس)

مربی باید برای شروع تدریس خود حرف ها، اعمال و حرکاتی را از خود نشان دهد که توجه فراگیران به درس افزایش یابد. در واقع مربی باید با استفاده از ایجاد انگیزه سبب شود تا فراگیران با میل و رغبت به درس پردازند. مهارت در شروع درس، هسته ی تمامی مهارت های ارتباطی است که در تدریس به کار گرفته می شود. برخی از روش های مذکور عبارتند از:

الف) روش مستقیم

ب) روش غیر مستقیم

خواندن شعر، ذکر خاطره، قرائت داستان، طرح سوال و معما، نشان دادن یک تصویر یا یک شی و

◀ مهارت ارائه درس

مربی در هنگام ارائه ی مطالب درس، سعی کند از الگوهای نوین و فعال تدریس استفاده کند یعنی الگوهایی که در آن فراگیران نقش اصلی و مربی نقش راهنما و کارگردان را به عهده دارد. مربی همچنین باید متناسب با مطالب کتاب درسی مثال ها و مصادیقی برای فراگیران ارائه دهد بدین ترتیب مطالب درسی جنبه ی کاربردی پیدا می کند. برخی از روش های پیشنهادی جهت استفاده در کلاس های درس به تناسب موقعیت، شرایط و ویژگی های درس و مخاطبین عبارتند از:

انواع روش های تدریس

روش های تدریس را در یک تقسیم بندی کلی به دو دسته زیر می توان تقسیم نمود:

الف) روش های نمایشی

منظور از روش های نمایشی روش هایی هستند که هنگام استفاده از آن ها، مربی اطلاعات مورد نظر را به صورت حاضر و آماده، دسته بندی شده و منظم به افراد ارائه می دهد، یعنی فراگیران اطلاعات را به شکل غیر فعال دریافت می نمایند.

ب) روش های اکتشافی

در این روش ها برخلاف روش های نمایشی، خود فراگیران باید با کار و تلاش، اقدام به کشف اطلاعات نمایند. رسالت مربی نیز عبارت است از تسهیل یاد گیری، یاد دادن راه یادگیری، مدیریت یاد گیری و

• مصادیقی از روش های نمایشی

۱. روش نمایش دیداری

روشی است که اساس آن بر مشاهده^۱ و دیدن^۲ قرار دارد یعنی افراد از طریق مشاهده و دیدن مهارت یا مهارت‌هایی را کسب می‌کنند.

نمونه استفاده

ابتدا مربی عملاً جریان کاری را در مقابل چشم فراگیران انجام می‌دهد سپس از آنها می‌خواهد که شخصاً همان کار را تکرار کرده تا صاحب مهارت شوند. مثل اینکه مربی در مقابل فراگیران وضو می‌گیرد و سپس از فراگیران می‌خواهد که آنها نیز تکرار کنند.

مراحل اجرایی

۱. آمادگی: مربوط به شخص مربی و قبل از حضور در کلاس

الف) آماده سازی وسایل

ب) بازبینی و تمرین

۲. توضیح: مربوط به شخص مربی

الف) تشریح هدف

ب) تعیین وظایف فراگیران

۳. نمایش: اجرای عملی فعالیت مورد نظر

۴. آزمایش و سنجش به صورت عملی و شفاهی

۱. به کارگیری حواس مختلف جهت جمع‌آوری اطلاعات در مورد یک پدیده.

۲. فقط متکی به بینایی است.

۲. سفترانی

تعریف

روشی است که در آن مربی اطلاعات مورد نظر را با استفاده از منابع مکتوب و به صورت شفاهی و مستقیم ارائه می‌کند.

سافتار

۱. بخش مقدماتی

الف) معرفی موضوع (بهتر است در قالب سوال باشد).

ب) زمینه سازی برای ارائه مطلب

۲. بخش میانی

الف) ارائه اطلاعات

ب) ربط دادن اطلاعات ارائه شده

۳. بخش پایانی

- جمع بندی و نتیجه گیری

مزایا

۱. اقتصادی بودن

۲. انعطاف پذیری: مثلا افرادی که غائب بودند می‌توانند با مراجعه به متن مورد استفاده مربی غیبت خود را جبران کنند.

ممدودیت ها

۱. غیر فعال بودن فراگیران

۲. خستگی فراگیران

اصول

• آمادگی در ابعاد

۱. علمی

۲. تجهیزاتی

۳. عاطفی (شجاعت و توانایی بیان اطلاعات را داشته باشد).

نکته: علت‌های ترس از صحبت در مقابل جمع:

۱. فقدان اعتماد به نفس
۲. نداشتن اطلاعات کافی
۳. نداشتن تجربیات موفقیت آمیز
۴. جهل نسبت به یک سری واقعیات که عبارتند از:
(الف) من تنها کسی نیستم که از این مشکل رنج می‌برم.
(ب) بخشی از این ترس مفید است.
(ج) حتی بسیاری از چهره‌های شاخص و حرفه‌ای در زمینه سخنرانی نتوانستند هیچ گاه و به طور تمام و کمال خود را از این ترس در امان نگه دارند.

راه درمان

تلاش برای کسب اطلاعات کافی به همراه کوشش جهت به دست آوردن تجربیات موفقیت آمیز و ایمان آوردن به واقعیت‌های مذکور.

• فوب شروع کردن

۱. پرهیز از عذرخواهی‌های غیر ضروری.
۲. آماده کردن مستمعین.
۳. استفاده از یک مقدمه یا پیش سازمان دهنده. پیش سازمان دهنده‌ها اطلاعاتی هستند کلی‌تر از موضوع مورد بحث که وظیفه آن‌ها برقراری ارتباط بین تجربیات گذشته فرد و بحث جدید است. مثلاً کسی که می‌خواهد راجع به نماز آیات صحبت کند بهتر است قبل از آن راجع به نماز‌های واجب صحبت کند.
۴. تحریک کنجکاوی مستمعین

• فوب ادامه دادن^۱

۱. متغیر بودن تن صدا. (پرهیز از صدای یک نواخت)
۲. احساسات را در صدا دخالت دادن.
۳. هر جمله را به اقتضای معنایش بیان کردن.
۴. قبل و بعد از بیان هر ایده مکث کنید.

۱. سه عنصر کلیدی در سخنرانی صدا، بیان و حرکات دست و چهره و صورت.

۵. جملات غیر مهم را بدون تاکید و جملات مهم را با تاکید بیان کنید.

۶. متناسب بودن صدا با فضا و تعداد مستمعین.

۷. نگاه خود را به یک نقطه ندوختن.

• فوب پایان دادن

۱. جمع بندی

۲. تشکر از حضار

۳. نقل قولی از یک فرد بزرگ یا نامی یا ختم کلام با استفاده از کتابی مقدس

مصادیقی از روش های اکتشافی

۱. روش سافتاگرایی

تعریف

روشی است که به افراد فرصت می دهد خود به دنبال مطلبی بروند و از طریق تجربه به آن دست یابند.

مراحل اجرایی

۱. جستجو (کاوش)

۲. تشریح (تبادل نظر)

۳. گسترش یافته ها (توسط مربی)

۴. ارزشیابی

۲. روش تدریس کارگاهی

مراحل اجرایی

۱. ارائه درس کوتاه: در این مرحله مبانی نظری فعالیت موردنظر توسط مدرس کارگاه به شرکت کنندگان ارائه می شود.

۲. کار و فعالیت: در این مرحله پس از گروه بندی کردن اعضای کارگاه براساس مبانی نظری دریافتی شروع به فعالیت می کنند.

۳. مشارکت: در این مرحله نمایندگانی از گروه های مختلف محصول تلاش جمعی را به کلاس عرضه می کنند و پس از نقادی و تجزیه و تحلیل آن ها کلاس به یک جمع بندی مشخص می رسد.

قواعد

۱. انجام ارزشیابی رفتار های ورودی

۲. انجام یک پیش آزمون
۳. بیان اهداف و انتظارات
۴. گروه بندی کردن شرکت کنندگان
۵. تعیین وظایف اعضای گروه ها
۶. انجام ارزشیابی پایانی

۳. روش تدریس اعضای تیم

ویژگی بارز این روش این است که یادگیرنده در دو نقش ظاهر می شود:

۱. مربی ۲. فراگیر.

مراحل اجرایی

۱. گروه بندی (تعداد اعضای گروه تابعی است از وضعیت متن انتخابی برای تدریس)
۲. مشخص کردن اعضا با شماره
۳. توزیع متن یکسان بین همه اعضای گروه ها
۴. تعیین سهم هر فرد به صورت مجزا و مشخص
۵. مطالعه فردی
۶. تشکیل گروه های جدید با شماره های متجانس و یکسان به منظور تبادل نظر و رفع ابهامات احتمالی
۷. بازگشت اعضا به گروه های اولیه
۸. تدریس هر قسمت از متن توسط فرد مربوطه
۹. توزیع سوالات بین افراد
۱۰. تعیین پاسخ سوالات به کمک سایر افراد کلاس
۱۱. حضور مربی به منظور رفع ابهامات احتمالی با استناد به نتایج ارزشیابی.

۴. روش دریافت مفهوم

مراحل

۱. عرضه مطالب و شناسایی مفهوم
۲. آزمون دستیابی به مفهوم
۳. تحلیل راهبردهای تفکر

مثال:

آری توحید - معاد - نبوت - امامت
خیر نماز - روزه - حج - خمس - امر به معروف - جهاد - تولی
مفهوم مورد نظر مربی: اصول دین

۵. روش تکوین مفهوم

- الف - گردآوری داده ها
- ب - طبقه بندی داده ها
- ج - عنوان دهی به داده های طبقه بندی شده

۶. روش قصه گوئی

روش های مختلف اجرا:

۱. قصه خوانی
۲. قصه گوئی ساده
۳. قصه گوئی همراه با تقلید صدا و انجام حرکات
۴. قصه گوئی همراه با بازیگران

۷. روش های آموزش و تربیت دینی

قراین حاکی از آن است که پیامبر اعظم به امر آموزش به صورت عام و آموزش و تربیت دینی به صورت ویژه اهمیت زیادی می دادند.

الف (آموزش به شیوهی غیرمستقیم

گاه در مواردی آموزش غیر مستقیم اثر بیشتری در متعلم می گذارد یعنی اگر به متعلم مستقیماً گفته شود که فلان امر خوب یا بد است یا آن کار باید انجام بشود یا نه، ممکن است او موضع گیری نماید و خیلی توجه نکند و این امر در مسایل اخلاقی و ارزشی و مذهبی بسیار مهم است که همیشه به صورت مستقیم آموزش داده نشود. گرچه تأثیر آموزش مستقیم در جای خود بسیار زیاد است. ولی در مواردی آموزش غیرمستقیم اثر بیشتری دارد.

ب (آموزش به شیوه تکرار

تکرار یکی از روش های آموزشی و پرورشی پیامبر اسلام بود که حضرت در شرایط مناسب از آن برای نشان دادن اهمیت موضوع و نهایتاً هضم آن در ذهن مخاطب استفاده می نمود .

ه) آموزش به شیوه عکس العمل مناسب

گاه حضرت رسول ص مطلب خود را با یک عکس العمل و رفتار مناسب به مخاطب می‌فهماند، یعنی به جای سخن گفتن، با یک موضع گیری مشخص و مناسب پیام خود را می‌رساند که این شیوه آموزشی و تربیتی در جایگاه مناسب خود بسیار مؤثر است.

د) آموزش به شیوه ی پرسش و پاسخ

پیامبر اکرم ص در روند آموزش و تعلیم خود موارد زیادی سؤال می‌کرد تا جواب سؤال یا به واسطه خود فراگیران به دست آید یا به جواب سؤال نزدیک شود یا حداقل زمینه بهتر، جهت پاسخ صحیح توسط خود پیامبر ص فراهم آید. در این روش پیامبر ص ضمن بیرون کشیدن اطلاعات مخاطبین و ارزیابی وسعت دایره ی اطلاعات آن‌ها متناسب با آن، جواب می‌داد. نکته جالب آن است که پرسش‌های پیامبر ص کاملاً به صورت دقیق و متناسب با موقعیت و در فاصله‌های زمانی مشخصی بود تا مخاطب خود شخصاً درگیر موضوع شود و فرصت تفکر را بیابد. البته گاهی پیامبر ص ابتدا خود پرسش می‌کرد و گاه زمینه را طوری فراهم می‌نمود که مخاطب در ذهنش سؤال ایجاد شود.

ه) آموزش به شیوه تمثیل

در امر آموزش، استفاده از مثال‌های زیبا، در فرایند یادگیری و تنوع و نشاط آن سهم زیادی دارد. پیامبر اسلام ص همانند قرآن مجید از مثال‌های زیادی در مناسبت‌های گوناگون برای رساندن پیام الهی و یاد دادن حقایق معنوی استفاده نموده است. استفاده از تمثیل موجب می‌شود که مخاطب مطلب را ساده تر بیاموزد.

و) آموزش به شیوه (فتاری) (نه تنها) (هذمود گفتاری)

حضرت رسول اکرم ص در آموزش و تربیت دین به گفتار تنها بسنده نمی‌کرد بلکه او قبل از هر سخن تربیت خود اسوه عملی آن بود. آن چه به آموزش‌های دینی ویژگی خاص می‌دهد، اهمیت عمل و رفتار است که شخص معلم باید پایبند باشد.

ز) آموزش به شیوه خطابه

پیامبر اسلام ص در مناسبت‌ها و شرایط گوناگون خطابه‌هایی جذاب و دلنشین ارائه می‌کرد. در بعضی از شرایط با زبان ملاطفت و نرمش نمی‌توان، پیام حق را رساند بلکه آنجا جایگاه زبانی برنده و گویا است تا پیام حق رسانده شود. آنجا باید احساسات افراد را در جهت حق شکوفا کرد، گرچه فن خطابه می‌تواند در جهت منفی یعنی القای اهداف غیر الهی هم استفاده شود اما آن چه مهم است تأثیرگذاری این فن و این شیوه آموزشی و تربیتی در بین انسان هاست.

ع) استفاده از وسایل آموزشی

پیامبر اسلام ص متناسب با امکانات موجود از وسایل آموزشی برای رساندن پیام های الهی و تربیتی خود استفاده می نمود و این امر علاوه بر کمک به بهتر فهمیدن، از یک نواختی در امر آموزش جلوگیری می کرد و با ایجاد تنوع و جذابیت، امر آموزش و تربیت را سهل می نمود.

ب) استفاده از شیوه عینی و تجربی در امر آموزش

یکی از شیوه های جذاب آموزشی و تربیتی پیامبر اسلام ص توجه به امور عینی در امر آموزش بود یعنی حضرت تنها به گفتارهای صرفاً نظری و عقلانی در حوزه های مختلف بسنده نمی کرد. بلکه در آموزش از امور ملموس و محسوس که قابل احساس برای مخاطبان است استفاده می کرد. زیرا برای انسان درک امور محسوس به مراتب از درک امور معقول و نظری آسانتر است و پیامبر از امور محسوس و قابل تجربه و طبیعی انسان ها را به امور غیرمحسوس و ماوراء طبیعی هدایت می نمود.

ی) آموزش به شیوه نمایش (خود عمل)

پیامبر اکرم تنها به آموزش نظری اکتفا نمی کرد بلکه از آموزش های عملی به صورت انجام دادن خود عمل (هدف) نیز استفاده می نمود. این شیوه از بهترین شیوه های آموزشی و تربیتی است که در تحقق اهداف بسیار موثر است.

ک) روش انواعی

یکی از راه های جذاب ارائه مفاهیم دینی، استفاده از روش انواعی است. روش انواعی عبارتست از تجزیه و تقسیم یک موضوع به انواع و اقسام مختلف به جهت جذاب کردن موضوع و جلب رغبت مخاطب. جذابیت روش انواعی به این سبب است که، دسته بندی یا انواعی کردن، به نوعی برای مخاطب ابهام ایجاد می کند و او را با چالش روبرو می نماید. با این روش مخاطب در حالت انتظار قرار می گیرد؛ به طوری که وقتی مرتباً یک نوع را بیان می کند، مخاطب منتظر می ماند، تا بقیه انواع را هم بشنود و این حالت انتظار برای مخاطب جذاب است. این روش برای تأثیر در تمام حیطه های انسان؛ یعنی اندیشه، احساس و رفتار او و خصوصاً در حیطه احساس بسیار مؤثر است و در بخش احساس نیز، بیش تر در حس زیباگرایی مخاطب اثر می گذارد.

• انواع نماز (نوجوان)

۱. موشکی: نمازی که سریع خوانده شود.
۲. کمکی: نماز نافله.
۳. الکی: نماز ریایی: نمازی که برای جلب توجه دیگران خوانده شود.

۴. آبکی: نماز بدون حضور قلب.

۵. چپکی: نماز بدون رعایت قبله.

۶. یواشکی: نماز ظهر و عصر.

۷. یدکی: نماز احتیاط.

۸. راستکی: نماز درست و حسابی.

ل (روش تشبیهی):

باید مطالب را به نحوی ملموس و محسوس ساخت تا مخاطب بهتر بتواند آن را بپذیرد.

اهمیت درس قرآن:

روایت از پیغمبر اکرم (ص) داریم در مورد اهمیت قرآن کریم: پیامبر گرامی اسلام ص در ضمن حدیثی، قلب بدون قرآن را به ویرانه (خرابه) تشبیه می‌کنند. پیامبر اکرم ص فرمودند: ان الذی لیس فی جوفه شیء من القران کالبیت الخراب: (کنز العمال، ج ۱، ص ۵۲۱) کسی که در دلش چیزی از قرآن نیست دلش مانند خرابه است.

سوال: چه ویژگی در خانه خراب وجود دارد که پیامبر اکرم (ص) دل بدون قرآن را به خرابه تشبیه کرده است؟
تبصره: جواب سوال را از دانش آموزان می‌پرسیم. بعدا یا جواب دانش آموز را به سمت جواب درست سوق می‌دهیم
یا خودمان جواب صحیح را می‌گوییم:

- ۱- خرابه امنیت ندارد دل بدون قرآن هم مضطرب است و آرامش ندارد.
- ۲- خرابه محل تردد خلافکاران است دل بدون قرآن هم محل تردد شیاطین جن و انس و وسوسه‌های شیطان است.
- ۳- خرابه متعفن و بدبو است دل بدون قرآن نیز از عطر معنویت محروم است.
- ۴- خرابه با اندک تکانی خراب تر می‌شود دل بدون قرآن نیز متزلزل است.
- ۵- به پناه گرفتن در خرابه‌ها نمی‌شود اطمینان کرد به انسان‌های دور از قرآن نیز نمی‌شود اطمینان کرد.
- ۶- خرابه در شب، تاریک، ظلمانی و بدون نور است دل‌های بدون قرآن نیز تاریک و ظلمانی است.
- ۷- خرابه ارزش و قیمت ندارد دل بدون قرآن نیز ارزشی ندارد.
- ۸- به خرابه مجوز کنتور برق نمی‌دهند دل بدون قرآن نیز مجوز اتصال به حضرت حق را ندارد.
- ۹- خرابه احتیاج به بازسازی دارد دل بدون قرآن نیز احتیاج به پاکسازی دارد.

المؤمن مزه المومن بماه ٧١ ص ٢٧

سوال: چه شباهتی بین آینه و مومن وجود دارد که پیامبر اکرم ص مومن را به آینه تشبیه کرده است؟

- ۱- مومن عیب مومن را باید بگوید
- ۲- عیب را به اندازه بگوید: در مقابل آینه قرار بگیرد آینه هر عیب را ببیند به همان اندازه بگوید نه زیاد نه کم.
- ۳- در کنار عیب زیبایی را هم می گوید
- ۴- بین آدمها فرق نگذارد: برای آینه آدم پولدار یا معمولی، فرقی ندارد. مومن هم باید این گونه باشد.
- ۵- آینه چون صاف است عیب را می گوید.
- ۶- عیب را روبرو می گوید.
- ۷- عیب را بی سر و صدا می گوید.
- ۸- عیب را بایگانی نمی کند.

دنیا:

الدنيا مزرعه الاخرة

سوال: چه شباهتی بین دنیا و مزرعه است که پیغمبر اکرم(ص) دنیا را به مزرعه تشبیه کرده است؟

- ۱- در مزرعه اگر کار و تلاش نشود محصولی بدست نمی آید در دنیا هم اگر تلاش نشود در آخرت محصولی نداریم.
- ۲- در مزرعه هر چه بکاریم برداشت می کنیم در دنیا هم هر عملی انجام دهیم در آخرت برداشت می کنیم.
- ۳- سختی کار در مزرعه راحتی محصول دارد سختی در دنیا راحتی آخرت دارد.
- ۴- در مزرعه باید با آفات مبارزه کرد در دنیا نیز باید با آفات مبارزه کرد.
- ۵- گاهی کشاورز با کارش محصول را تباه کند انسان هم همین طور، مثل؛ ریا، صدقه همراه با آزار و اذیت و ...
- ۶- کار در مزرعه دائمی نیست انجام عمل در دنیا نیز دائمی نیست چون انسان به اندازه یک عمر در دنیا است.
- ۷- در مزرعه یک بذر تبدیل به ۷۰ دانه می شود در دنیا نیز یک ریال صدقه بدهید ۱۰ برابر می شود و اگر یک حسنه انجام دهید تبدیل به ۱۰ حسنه می شود اگر یک ریال قرض دهید ۱۸ برابر می شود. **مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِثَّةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ** {البقرة/۲۶۱} مثل آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می کنند، به مانند دانه ای است که از یک دانه هفت خوشه برآید و در هر خوشه صد دانه باشد. **مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ** {البقرة/۲۴۵} چه کسی به خدا وام می دهد و او را نیکو؟ تا خدا چندین برابر به او بدهد.

۱ ۱۰ ۱۸ اضعافا كثيرا

غیبت:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ {الحجرات/۱۲}

سوال: چه شباهتی بین غیبت و خوردن گوشت برادر مرده وجود دارد که در قرآن خیلی روی آن تاکید شده است؟

۱- میت نمی تواند از خودش دفاع کند. شخص غیبت شونده نیز نمی تواند از خودش دفاع کند.

۲- گوشت بدن مرده رشد نمی کند آبروی شخص غیبت شونده نیز بر نمی گردد.

۳- خوردن گوشت برادر مرده مسمم کننده است غیبت نیز پشت سر برادر مرده حالت بدی به انسان دست می دهد.

۴- خوردن گوشت مرده قساوت قلب می آورد غیبت پشت سر برادر مومن نیز قساوت قلب می آورد.

دوستان مثل درخت و گیاه هستند.

سوال: چه شباهتی بین دوست و درخت وجود دارد که در روایات این دو را به هم تشبیه کرده اند؟

۱- بعضی از درختان هم میوه دارند و هم سایه بعضی از دوستان نیز هم سود دنیوی دارند و هم نفع اخروی.

۲- بعضی از درختان فقط دارای میوه هستند، بعضی از دوستان هم فقط نفع اخروی و معنوی دارند.

۳- بعضی از درختان تنها سایه دارند، بعضی از دوستان هم صرفاً نفع دنیوی و زودگذر دارند.

۴- بعضی از درختان نه سایه دارند و نه میوه، بعضی از دوستان هم نه برای دنیا مفیدند و نه برای آخرت.

۵- بعضی از درختان نه سایه دارند و نه میوه بلکه سمی هم هستند بعضی از دوستان هم نه برای دنیا نفع دارند نه

برای آخرت بلکه به انسان ضرر هم می زنند.

ه (روش طراحی):

یکی از شیوه های دیگری که می شود آیات و روایات را از آن طریق انتقال داد شیوه طراحی است چون مهم ترین ابزار

شناخت برای انسان حواس ظاهری است و حواس ظاهری تنها محسوسات را درک می کند غیر محسوسات از راه عقل و

ذهن درک می شود. بنابراین هر چه مقدمات حسی بیشتر و واضح تر باشد درک عقلی و ذهنی نیز بهتر انجام می شود. بنابر

این در آموزش لازم است محتوای آموزش عقلی یا ذهنی صرفاً را به شیوه های گوناگونی از جمله شیوه طراحی،

محسوس و ملموس کنیم. پیغمبر اکرم (ص) و سایر معصومین نیز سعی داشتند حتی الامکان از این روش برای انتقال

مفاهیم دینی به مخاطبین خود استفاده کنند. جابر بن عبدالله می گوید: پیامبر اکرم (ص) بر روی زمین جلوی خود خطی

کشید و فرمود این راه خداست سپس خطهایی را اطراف آن کشیدند و فرمودند اینها هم راههایی است که بر سر هر یک

شیطانی قرار دارد که به آن دعوت می کند و سپس دست مبارک خود را بر خط میانی گذاشت و فرمودند: وَأَنَّ هَذَا

صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ {الأنعام/۱۵۲}

در روش طراحی ما از یک خط و پاره خط استفاده می‌کنیم. بیشتر از این اگر استفاده کنیم می‌شود نقاشی چون ما نمی‌خواهیم در این روش از نقاشی استفاده کنیم چرا؟ چون اگر ما خیلی خوب بتوانیم نقاشی کنیم و نقاش ماهر باشیم به محض کشیدن نقاشی زیبا مخاطب از ما جدا می‌شود و محو نقاشی زیبا می‌شود اما اگر نتوانیم نقاشی زیبایی بکشیم باز بدتر از مرحله اول لذا ما از یک خط و پاره خط استفاده می‌کنیم تا موانع بالا را بر طرف کنیم.

پیامبر اکرم(ص): من تواضع لله رفعه الله و من تكبر ففضه الله

مثال برای تواضع:

۱- داستان حضرت یوسف(ع): یوسف پیامبر زمانی که در مقابل گناه قرار گرفت. بخاطر خداوند از گناه دوری کرد و از خودش در مقابل گناه تواضع نشان داد و خداوند او را بالا برد.

۲- ابن سیرین جوان بسیار زیبایی است که در مغازه پارچه فروشی کار می‌کند. خانمی می‌آید پارچه بخرد عاشق ابن سیرین می‌شود پارچه‌های زیادی می‌خرد سپس از صاحب مغازه می‌خواهد که این شاگرد شما به من کمک کند و این پارچه‌ها را تا درب منزل بیاورد. ابن سیرین تا درب منزل می‌آید خانم از ابن سیرین می‌خواهد پارچه‌ها را به داخل منزل بیاورد به محض اینکه ابن سیرین وارد منزل می‌شود درب منزل توسط زن روی ابن سیرین بسته می‌شود و زن شیطان صفت از ابن سیرین تقاضای گناه می‌کند، چون ابن سیرین تمام راهها را بر خودش بسته می‌بیند می‌گوید اشکالی ندارد اما اجازه بده من بروم توالت. می‌رود هر چه نجاست بود به بدن و سر و صورتش می‌مالد و اینگونه به طرف زن می‌آید، زن تا صحنه را می‌بیند ابن سیرین را از منزل بیرون می‌کند و از این به بعد بدن ابن سیرین اصلاً بوی بد نداد، و خداوند علم تعبیر خواب را به وی عنایت نمود.

۳- داستان امیر: امیر نوجوانی خوش سیما بود و در خانواده‌ای بسیار ثروتمند و مرفه زندگی می‌کرد. پدر و مادرش هر دو پزشک بودند. از آن جا که افکار غربی داشتند به ارزش‌ها و دستورهای دینی چندان پایبند نبودند. آنها صبح زود از خانه بیرون می‌رفتند و آخر شب برای استراحت به خانه بر می‌گشتند. امیر می‌گوید مشکل من از آنجا شروع شد که خاله‌ام با شوهرش اختلاف پیدا کردند و از هم جدا شدند در نتیجه دختر خاله‌ای داشتم که وارد زندگی ما شد، از همان زمان بود که آرامش زندگی امیر به هم خورد، چون دختر خاله‌اش همیشه خود را بزرگ می‌کرد و به امیر عرضه می‌داشت و درخواست گناه می‌کرد ولی امیر یوسف وار عفت می‌ورزید و با کمک گرفتن از خدا در مقابل وسوسه‌های او مقاومت می‌کرد. امیر در این گیر و دار مبارزه با نفس و شیطان نامه‌ای به مجله زن روز می‌نویسد و از آنها چاره می‌جوید اما یک هفته بعد از نوشتن نامه خواب می‌بیند و به او می‌گویند: «امین» برو به دانشگاه اصلی و وقت را تلف نکن. بدین ترتیب امیر که اینک مفتخر به عنوان امین شده بود عازم جبهه شد و سرانجام چهار روز پس از اعزام در عملیات کربلای ۴ در شلمچه مزد استقامت و پاکدامنی‌اش را می‌گیرد و به شهادت می‌رسد. روحش شاد

۱- شیطان: وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ {البقرة/۳۴} به گفته قرآن، ابای شیطان از سجده بر آدم(ع) از روی استکبار بود و نه جهل. شیطان دلیل آورد گفت من از او بهترم مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل. در این عالم معیار همه استکبارها اصالت دادن به ماده است. دلیل استکبار شیطان این بود که گمان می‌کرد ماده خلقت او (آتش) از ماده خلقت انسان (خاک) برتر است. شیطان عبادت‌گر بزرگی بود که یکی از سجده‌های او چهار هزار سال طول کشید و از مقربین درگاه خداوند بود اما تنها عاملی که شیطان را خوار کرد تکبر بود.

۲- بلعم باعورا: و اتل عليهم نبا الذي اتيناه اياتنا فانسلخ منها فاتبعه الشيطان فكان من الغاوين ولو شيئا كرفعنا بها و كلنه اخلد الى الارض و اتبع هوه فمثله كمثل الكلب (اعراف، ۱۷۵) و بر این مردم (یهودان) حکایت آن کسی (بلعم باعورا) را بخوان که ما (علم) آیات خود را بر او فرستادیم، پس از آن آیات سرپیچید. شیطان او را تعقیب کرد و از گمراهان گردید. به بلعم خبر دادند موسی بن عمران(ع) با جمعیت زیادی حرکت کرده و می‌آید و دو چیز می‌خواهد می‌گوید یا باید ایمان بیاورید تسلیم دین شوید یا مهیا بشوید جنگ کنید بلعم گفت خیلی خوب ایمان بیاورید گفتند جناب بلعم این چه حرفی می‌زنی به این راحتی می‌خواهی ما را تسلیم موسی کنید گفت چکار کنیم گفتند بلعم ما غیر از تو کسی را نداریم، عالمی نداریم، سرپرستی نداریم اگر تو به داد ما نرسی ما بیچاره می‌شویم هندوانه زیر بغل بلعم باعورا، این بیچاره، باد کرد گفت راست می‌گوید شما که غیر از من کسی را ندارید حالا می‌خواهید چکار کنم گفتند به موسی و قومش نفرین کن. گفت چشم، بلعم سوار الاغش شد بنا کرد آمدن همین جور که می‌آمد یک وقت کسی رسید گفت بلعم کجا داری می‌روی گفت می‌روم به موسی و قومش نفرین کنم تا خدا آنها را هلاک کند گفت چقدر عالی یک نفرین قرص و محکمی بکن خدا ریشه موسی و قومش را بکند تا این حرف را زد الاغ بلعم باعورا به اذن خدا شنید دیدند الاغ راه نمی‌رود هر چه کردند نمی‌رود چرا نمی‌روی به قدرت الهی حرف زد آقای بلعم کسی که می‌خواهد برود بالای کوه پیامبر خدا و یک مشت آدمهای متدین را نفرین کند من به این آدم سواری نمی‌دهم اوقات بلعم تلخ شد آنقدر تازیانه زد تا الاغ مرد گفت پیاده می‌روم آمد بالای کوه همین که دهانش را باز کرد خواست نفرین کند زبانش از دهانش آمد بیرون آویزان شد مثل سگ قرآن می‌فرماید فمثله كمثل الكلب

۳- حضرت یوسف(ع): امام صادق(ع) فرمودند: هنگامی که یعقوب برای ملاقات فرزندش یوسف وارد مصر شد یوسف به استقبال پدر بزرگوارش آمد یعقوب با دیدن یوسف فوراً از اسب پیاده شد ولی جناب یوسف به خاطر رعایت مقام سلطنت ظاهری، برای احترام پدر از اسب پیاده نشد و همان طور که سوار اسب بود دست بر گردن پدر نهاد، حضرت یوسف هنوز از خوش آمد گویی پدر فارغ نشده بود که جبرئیل نازل شد و به یوسف فرمود دست خود را باز کن، نور روشنی از دستش به سوی آسمان بالا رفت. یوسف پرسید این چه نوری بود که از کف دست من خارج شد؟ جبرئیل فرمود: نزع النبوه من عقبك عقوبه لما لم تنزل الى الشيخ يعقوب فلا يكون من عقبك نبی(اصول کافی،

ج ۲، ص ۳۱۲) نور نبوت از صلب تو بیرون رفت و دیگر پیامبری از نسل تو به وجود نخواهد آمد به سبب آن که کمال احترام را در مورد پدر پیرت رعایت نکردی پس کسی از فرزندان تو پیامبر نخواهد شد.

ن (روش تلخیصی یا فرمولی:

یکی از شیوه‌های ارائه محتوای آیات و روایات برای نوجوانان و جوانان شیوه تلخیصی است. در این روش پیام سوره، پیام آیه یا پیام حدیث را به صورت فرمول در می‌آوریم و در اختیار شاگرد قرار می‌دهیم. به عنوان مثال: وارد کلاس شدیم به دانش آموز می‌گوییم امروز می‌خواهم سوره مبارکه عصر را برای شما بخوانم. دانش آموز شاید عکس العمل نشان بدهد و بگوید ببخشید معلم قبلی هم برای ما سوره عصر خواند اینجا بهترین روش برای شروع و ایجاد انگیزه قالب فرمولی است. دانش آموزان عزیز من امروز می‌خواهم یک فرمول زیبا به شما بگویم فرمول سعادت. چون امروز مردم همه دنبال سعادتند، همه دنبال موفقیت هستند، دنبال سلامتند، دنبال ثروت و خوشبختی هستند. همین که بگویی فرمول سعادت، فرمول پیروزی همه گوش می‌کنند. همه دنبال سرنخ هستند اما چون سرنخ را گم کرده‌اند بسیاری از مردم به سعادت نمی‌رسند، چون قانون مندی‌ها را بلد نیستند مثلاً فرض کنید در دنیای بیرون همش می‌گویند معلم اینجوری، مامانم اینجوری، روزگار اینجوری همیشه انگشت اشاره به طرف دیگران و دیگران را شماتت می‌کنند هیچ وقت نمی‌گویند پس من چی و غافل از این است که وقتی یک انگشت به طرف دیگران می‌گیرد و تقصیر کارها را گردن دیگران می‌اندازد سه انگشت به طرف خودش است می‌گوید پس تو خودت چه کاره هستی. چون موفقیت، فلاح، رستگاری یک پدیده درونی است نه یک مقوله بیرونی یعنی اگر می‌خواهی در دنیای خودت آرام شوی، موفق شوی، پول دار شوی، همه دوست داشته باشی و به هر چه بخواهی برسی باید بدانی که بیرون ز تو نیست آنچه در عالم هست. مردم موفقیت و پیروزی را در جایی دیگر می‌جویند در حالی که کتاب‌های زیادی در مورد موفقیت، ثروت، خوشبختی نوشته شده همه آیات و روایات ما را برداشتند و با ادبیات گوناگون در اختیار مردم قرار دادند.

سفارش به صبر + سفارش به حق + عمل صالح + ایمان = فرمول سعادت - سوره مبارکه عصر

با نوشتن فرمول، هر کدام از شاخه‌ها را برای مخاطب توضیح می‌دهیم. مثلاً؛ عمل صالح عبارتند از: نماز، روزه، احترام به والدین، احترام به معلم. همه این موارد را به صورت مفصل با ذکر آیات روایات و داستان توضیح می‌دهیم.

توبه + استغفار + حمد و تسبیح خدا + پیروی از دین خدا = فرمول پیروزی - سوره مبارکه نصر
تعلیم قرآن و حکمت + تزکیه نفس + تلاوت قرآن + بعثت = فرمول رسالت - سوره مبارکه جمعه آیه ۲
زکات + ریانداشتن + نماز + حفظ مال یتیم + یتیم نوازی + قبول دین = فرمول دین - سوره مبارکه ماعون

س (روش متابعت و رفتارسازی)

فنون متابعت و رفتارسازی در واقع یک سری فنونی هست که در روانشناسی مطرح شده است که بوسیله آن مربی روی مخاطب اثر می‌گذارد و رفتاری را در او اصلاح یا رفتاری در او ایجاد می‌کند.

۱. روش آشنایی دادن

قبل از اینکه در کلاس، به مخاطب خود حرفی بزنیم اول خودمان را معرفی کنیم و با کوچکترین وجه مشترکی و ذکر آن، بگذاریم احساس کند ما به همدیگر نزدیک هستیم و آشناییم، این آشنایی دادن احتمال اینکه حرف مرا گوش بدهد بالا می برد. این آشنایی از جهت هم زبان بودن و اهل یک منطقه بودن و اشتراکات در موقعیتهای اقتصادی و اجتماعی و مذهبی و محیط زندگی و از این قبیل، حرف شنوی مخاطب را افزایش می دهد .

۲. جای پا باز کردن

مثلا ما قصد داریم که از راننده بخواهیم موسیقی اش را خاموش کند اما کمی باب طبعش نیست و این درخواست زیادی است پس اول از او درخواستی می کنیم که احتمال پذیرشش را دارد. مثلا در تاکسی بچه همراه ماست شیشه اش پایین است دارد باد می زند به راننده می گوییم آقا می شه لطف کنید شیشه را بدید بالا این درخواست کوچک را که اجابت کرد اگر کسی یک درخواست شما را اجابت بکند احتمالا درخواست دوم شما را هم اجابت می کند، پس قرار بر این است که درخواست اول بسیار ساده و چیزی باشد که به هر کسی بگویی قبول کند ، بنابراین در کلاس درس هم همین طور است برای همراه کردن مخاطب خود ، اول از مطالبی که پذیرششان ساده تر و کم مؤونه تر است شروع کنیم و بعد به مطلب اصلی خود پردازیم .

۳. روش تمریک توجه

در کلاس و تدریس، اول باید توجه مخاطب را جلب کنی ، بعد خواسته ات را بگویی مثل دو تا گدایی که یکی از آنها به شما می گوید ۳۲۵ تومان به من کمک کن و دومی به شما بگوید ۵۰۰ تومان به من کمک کن ، آنکه می گفت ۳۲۵ تومان ، شما می گوید واقعا حتما کاری برایش پیش آمده که ۳۲۵ تومان لازم دارد هر کسی درخواست او را بشنود توجه می کند که چرا ۳۲۵ تومان این بیشتر گدایی نکرد ، اما آن که می گفت ۵۰۰ تومان به من کمک کنید زیاد مورد توجه قرار نمی گیرد، حتی اگر می گفت ۱۰۰ تومان بده آنقدر در نمی آورد چون ۱۰۰ تومان هم رند است و توجه را جلب نمی کند. بنابراین در سخنرانی و کلاسرداری هم باید به نوعی توجه مخاطب را جلب کنی بعد درخواستت را مطرح کن و این خلاقیت در امر تبلیغ است.

۴. این همان است که گفتی

در کلاس از لابلای حرف های خود افراد مخاطب مطالبی را گزینش کنیم و با استناد به آنها و ضمیمه کردن استدلالات خودمان، مقصود خود را اثبات کنیم.

۵. این همه اش نیست

مخاطب باید احساس کند که آنچه مبلغ می گوید همه اش نیست و فوائد بسیاری بر عمل نیک مترتب است.

۶. روش ایجاد احساس خطر و راهکار

اگر اول بتوانیم در کلاس در ضمن صحبت هایمان احساس خطر را در دل مخاطبمان ایجاد کنیم و بعد راهکار آن را هم ارائه بدهیم، تبلیغی اثر بخش خواهیم داشت.

۷. برانگیختن تقابل

از روش های بسیار فوق العاده است که سر کلاس و موقع تدریس، با لطف و مهربانی در حق کسی روی او اثر بگذارید و او را شرمندۀ خودتان کنید و او هم متقابلاً تبعیت از گفتار شما خواهد داشت.

۸. بهره گیری از احساس گناه

مثلاً یکی کسی به شما بعنوان مبلغ، سر کلاس و یا در مسجد مطلبی را گفته و یا برخورد نامناسبی داشته و یا بی احترامی کرده است و الان از کرده خود، شرمندۀ و ناراحت است و عذاب وجدان دارد و الان پیش شما ابراز شرمندگی می کند، این حالت او مقابل شما، موقعیت مناسبی است برای اینکه شما هر چه بگویید او به راحتی قبول کند و اثر پذیری حرف شما بالا می رود.

ع (روش های عملی تصمیق گرایش جوانان و نوجوانان به مسائل مذهبی

۱- ارائه الگوهای عملی

ارائه الگوهای عملی؛ یعنی، روش الگویی و عرضه نمونه، از مهم ترین روش های تربیتی در اسلام است. آنان از راه مشاهده مستقیم عمل والدین، مربیان، فرهیختگان جامعه و... حالات و رفتار اینها را می بینند و از آنان الگومی پذیرند. پس دین آموزی باید مستلزم عمل و رعایت عمل باشد. اگر تمامی مبلغان دین و اساتید و فرهیختگان به گفته های خود عمل می کردند، گفتارشان مانند باران بر دشت سر سبز دلها فرو می رفت؛ اما گفتا عالمان بی عمل، مانند باران رحمت الهی است که بر تپه ها می بارد و از آن جا جاری می شود و راهی به درون تپه ها نمی یابد.

۲- آموزش صحیح مسائل و احکام دینی که در این رهگذر توجه به نکات زیر ضروری است:

الف) رعایت شرط سنی؛ زیرا برقرار کردن ارتباط آموزشی باید متناسب با سن، فهم، درک و توانایی مخاطب باشد.

ب) شرط جنس است که پسران و دختران در این زمینه متفاوت اند.

۳- آرایش ظاهر (اعمال، رفتارها، مکانها و...)؛ بابرگزاری مراسم و برنامه های گیرا و جذاب؛ مثلاً محل رازیبا و معطر نماییم.

۴- تشکیل گروه و دسته های فرهنگی، هنری و دینی، مانند؛ گروه شعرونویسندگی، گروه سرود و تواشیح، گروه نقاشی و خط.

۵- تمرین زندگی اسلامی؛ اردوها و مسافرت های گروهی، یکی از بهترین شیوه های جذب جوانان است.

۶- دوری از تحکم و اجبار؛ یعنی، جوانان ما، دین گریز یا دین ستیز نیستند؛ بلکه از تحکم و فرمان‌های اجباری فرار می‌کنند. ما باید یاد بگیریم که آنان را دوست داشته باشیم و با عطف و مهربانی با آنها برخورد کنیم. و به جای تندخویی و الزام، از شیوه‌های دیگر تبلیغ و امر به معروف استفاده کنیم.

۷- سهل‌گیری و سرعت؛ از مطلب قبلی به این می‌رسیم که خداوند دین را برای آسانی مردم می‌خواهد نه در تنگنا و فشار قرار دادن آنها (یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر) پس ما باید دین واحکام و آداب آن را به شکلی آسان، زیبا، قابل‌پسند و فهم‌پذیر ارائه بدهیم.

۸- حرکت‌های جمعی؛ حضور جمع چشم‌گیر است. اگر فعالیت‌های دینی و مذهبی را گسترش دهیم و افراد بیشتری را جذب کنیم (مثلاً صد نفر برای قرائت قرآن) همین مسأله باعث جذب عده زیادی از افراد بی‌تفاوت یا کم‌رو می‌شود.

۹- طولانی نکردن مراسم و برنامه‌های دینی و مذهبی؛ نگذاریم جوانان، نوجوانان و حتی کودکان، در مراسم دینی و سایر فعالیت‌های مذهبی احساس خستگی کرده و زده شوند. سعی کنیم مدت دعاها و برنامه را از ۲ ساعت به ۱ ساعت و یا کمتر کاهش دهیم. در این راستا عمل به موارد زیر ضروری می‌نماید:

الف) استفاده از لذات کامی یا دهانی؛ گاهی مراسم را با یک شربت یا شیرینی می‌توانیم جذاب کنیم؛

ب) زمینه سازی برای اغنا مراسم، بالذات‌هایی، مثل؛ لذت‌های عاطفی، روانی، محبتی و پیوند با خدا و... اغنا کنید

ج) ذکر داستان‌ها و قصه‌های واقعی؛

د) دادن جوایز مختلف (به بهانه‌های نظم و انضباط، رتبه درسی، خط زیبا و...)

ه) استفاده از هنر: نمایش، سرود، صوت خوب، قرائت زیبای قرآن، کاریکاتور و طنز، نقاشی و خط و...؛

و) استفاده از ادبیات: متون ادبی، متن‌های حماسی و عاطفی، شعرهای سازنده، بحث‌های علمی، تحقیق و پژوهش و...؛

ز) استفاده از جاذبه احسان و نیکی و خوش رفتاری

ح) استفاده از عواطف؛ روان‌شناسان گویند: عاطفه، خمیر مایه گرایش مذهبی است. هر قدر پیوند و انس با مردم در امر

دین بیشتر باشد، دین بیشتر در آنان نفوذ می‌کند.

مهارت‌ها

◀ مهارت بیان ساده و قابل فهم

این مهارت ویژگی‌هایی دارد از جمله این که مختصر و جذاب است و در برگزیده‌ی نکات اصلی درس می‌باشد.

◀ مهارت به‌کار بردن کلمات فوب و با ارزش

پرهیز از لغات نابجا، رکیک و مستهجن، ارزش و منزلت کلاس درس را بالا می‌برد.

مهارت برقراری ارتباط

ضرورت

نوع انسان‌ها: شرط تداوم بقاء است.

مربیان: برای تحقق هدف‌های آموزشی با کیفیت بهتر و سهولت بیشتر.

تعریف

فرایند^۱ انتقال پیام از فرستنده به گیرنده مشروط بر این که تمام ذهنیات مورد نظر فرستنده به گیرنده منتقل شود و بالعکس.

انواع

۱. درون فردی / برون فردی

۲. گروهی^۲ / جمعی

۳. رسمی / غیر رسمی

۴. کلامی / غیر کلامی

۵. مستقیم / غیر مستقیم

۶. فیزیکی / انسانی

نکته: ارتباط فیزیکی به راحتی برقرار و به سادگی نیز قطع می‌شود. شناسایی علل قطع به سهولت امکان پذیر است. اما ارتباط انسانی به سختی برقرار و شناسایی علل قطع آن نیز به سادگی ممکن نیست. چون انسان موجود پیچیده‌ای است.

پارازیت

به هر نوع عاملی گفته می‌شود که مانع از برقراری ارتباط کامل شود.

منابع برقراری ارتباط

۱. فرستنده ۲. گیرنده ۳. پیام ۴. وسیله ارسال پیام ۵. شرایط فیزیکی ارسال پیام.

تکیه کلام: کلمه و عبارتی است که به صورت مکرر و ناخودآگاه توسط مربی به کار گرفته شود.

تیک: رفتاری است که به صورت مکرر و ناخودآگاه در رفتار مربی دیده می‌شود.

۱. مجموعه اعمال هدف‌دار و زمان‌بر. *Process*

۲. به نحوی که مخاطبین قابل شمارش و قابل شناسایی هستند

انواع پارازیت

۱. فیزیکی: مانع انتقال فیزیکی پیام می‌شوند. (نمی‌گذارند اصل حرف شنیده شود).
۲. استنباطی: زمانی رخ می‌دهد که در مورد محتوای پیام سوء تعبیری پیش آمده باشد ولو اینکه پیام به همان صورتی که فرستاده شده دریافت شده باشد.

راه های رفع پارازیت

۱. فیزیکی
الف) تکرار مجدد مطالب
ب) استفاده از وسایل جلب توجه
۲. استنباطی
الف) استفاده از کلمات ساده، واضح و روشن
ب) معنی کردن لغات سخت و دشوار

اساسی‌ترین وظایف مربی در مواجهه با عوامل مفل:

۱. خویشتن داری (زود قضاوت نکنیم، حفظ خونسردی)
۲. تلاش برای شناسایی ریشه‌های مشکل.
۳. کوشش جهت رفع مسائل شناسایی شده.

◀ مهارت پرسش (شفاهی)

اهمیت

۱. استناد به حدیث پیامبرص: حسن السؤال نصف العلم؛ خوب پرسیدن، معادل با نیمی از دانش و معرفت فرد است.
۲. رجوع به آرا روان شناسان: روان شناسان با تحلیل سوال می‌توان به ویژگی‌های پنهان شخصیتی افراد پی برد.

اهداف

ارزشیابی آموخته‌ها، کسب اطلاعات و کشف استعدادها، بیدار کردن اندیشه‌ها، ایجاد کنجکاوی و جهت دادن به افکار یا وضعیت‌ها و.....

انواع

- سازنده و غیر سازنده (پرسش‌های سازنده مبتنی بر فکر و هدف هستند: مقایسه‌ای بودن، مساله محور بودن و....)

- واگرا و همگرا (سوالات واگرا، هم تعداد پاسخ درست آن ها زیاد است و هم این که بر روی پاسخ درست آن ها توافق عمومی وجود ندارد)

اصول

- ✓ پرسش در قالب کلمات ساده، روشن و خالی از ابهام باشد.
- ✓ وقت کلاس در پاسخ‌گویی به سوالات به عده خاصی اختصاص نیابد.
- ✓ برای دریافت پاسخ از فراگیر، باید وقت کافی جهت تفکر به وی داده شود.
- ✓ پرسش نباید آن قدر مفصل و طولانی باشد که فراگیر درخواست تکرار مجدد آن را داشته باشد.
- ✓ هنگام طرح پرسش همه کلاس مخاطب باشند و سپس فرد یا افرادی برای پاسخگویی انتخاب شوند.
- ✓ از پرسش‌هایی که پاسخ آن ها یک کلمه بلی یا خیر است، حتی المقدور کمتر استفاده شود، مگر این که کلماتی مانند چرا، چگونه و به چه دلیل به آن اضافه شود.

واکنش مربی

الف) نسبت به سوال فراگیران

- پاسخ فوری و مستقیم

- برگرداندن سوال به خود سوال کننده

- استفاده از پرسش های پی گیر

ب) نسبت به پاسخ فراگیران

- پذیرفتن - رد کردن - توضیح خواستن - دلیل و شاهد خواستن - از دیگری یا دیگران پرسیدن - بی اعتنائی (طبیعی)

است که بدترین واکنش مربی در قبال پاسخ فراگیران خواهد بود)

مهارت پیوند مطالب درسی با زندگی روزمره و آینده

مربی آگاه و علاقه مند به حرفه خویش، سعی می کند با زندگی اجتماعی شاگردان خود آشنا شود، محیط زیست آنان را بشناسد و به نیاز هایشان پی ببرد. با این شناخت خواهد توانست مهارتی را در خود تقویت کند که همواره درسش را با زندگی روزمره ی شاگردانش همگام و همسو سازد و با این مهارت لذت یادگیری را به یادگیرندگان بچشاند.

مهارت استفاده از کارافزارهای آموزشی

معلمان با کسب این مهارت می توانند بیشتر یاد بدهند، بهتر یاد بدهند، شور و شغف بیافرینند.

مهارت تشویق و تنبیه ترغیب کننده

الف) تشویق

هیچ موجودی به اندازه انسان ظریف نیست. این موجود لطیف راه های نفوذپذیری دارد. اگر از راهش وارد شوند به تسخیر در آمده، عالی ترین تجلیات فکری، هنری، ذوقی و معنوی را از خود بروز خواهد داد و حماسه ها خواهد آفرید. شاید عالی ترین ابتکارات انسانی مرهون تشویق و ترغیب بوده است. در پرتو تشویق، خلاقیت و ابداعات به وجود می آید. به طور یقین عوامل متعددی در پویایی افرادی که دست به اختراعات زده و قاره ها را کشف کرده اند، مؤثر بوده و بدون تردید نمی توان نقش تشویق و ترغیب را در آنها نادیده گرفت و شاید بتوان ادعا کرد که اساساً پیدایش هنرهای زیبا و علوم گوناگون مدیون تشویق ها و ترغیب ها بوده است. تشویق می تواند به صورت های مختلفی اعمال شود. که البته به سن و درک و نوع عمل متربی بستگی دارد. گاهی تشویق به صورت دلجویی است و گاه با اظهار یک عبارت محبت آمیز یا تحسین آمیز برخی اوقات یک نگاه توأم با لبخند و نشاط و گاهی در آغوش گرفتن و بوسیدن و گاهی هدیه دادن و جایزه دادن و

صورت های تشویق

۱. دعا
۲. سلام
۳. وعده
۴. پاداش
۵. جایزه
۶. تحسین
۷. نصیحت
۸. تشکر (سپاسگزاری)
۹. تسلی (دلخوشی دادن، تسکین دادن)
۱۰. تبشیر (مژده دادن، نوید دادن، دلگرم کردن تحریک شوق)
۱۱. وعظ (تذکر و یادآوری سخنی که با خیر و خوبی همراه باشد)
۱۲. تشجیع (دلیرکردن و دل دادن کسی را به شجاعت صفت کردن)
۱۳. تحریض (به معنی برانگیختن و ترغیب نمودن کسی را به کاری و چیزی)

ب) تنبیه

انسان از مقام بالا و والایی برخوردار است و اگر خود را از فساد و شر و بدی دور نماید و به فضایل اخلاقی و کرامتهای انسانی زیننده سازد می تواند از نظر کرامت خود را به خدایش نزدیک ساخته و در جوار او قرار گیرد و به

ملکوت الهی دست یابد. همین انسانی که می تواند به مقامی برسد که فرشته را یارای گام نهادن در آن نیست اگر از صفات حمیده اخلاقی و انسانی بی بهره شود و فاقد فضایل اخلاقی گردد چنان مقام و مرتبتش انحطاط می یابد که از حیوانات و بهایم هم پایین تر قرار می گیرد. هنگامی که فردی در چنین مسیری قرار گرفت، باید به منظور هشدار و آگاهی او و جلوگیری از تکرار آن از عامل تنبیه و انذار و مجازات استفاده نمود. البته استفاده از این عامل زمانی است که سایر عوامل تربیتی از تأثیر و کارآیی در مورد فرد، نارسا و عاجز باشد. تنبیه نیز همچون تشویق به صورتهای مختلف اعمال می شود. گاهی به صورت تذکر است که از جانب مربی داده می شود و گاه به شکل اخطار و زمانی انذار و یا تهدید و وعید و بعضاً توبیخ و شماتت و اگر اینها مفید واقع نشد به صورت قهر و یا تحذیر و سپس هنگامی که اینها نیز مفید قرار نگرفت به شکل تعزیر و حد و قصاص و بالاخره زمانی، هیچ یک از اینها مفید واقع نمی شوند و مربی مرحله نهایی یعنی لعنت و نفرین و مبارزه با گردنکشان را اعمال می نماید.

صورت های تنبیه از ففیف به شدید عبارتند از:

۱. تذکر
۲. اخطار
۳. انذار (ترساننده و خبرآورنده)
۴. تهدید و وعید
۵. توبیخ
۶. شماتت و سرزنش
۷. قهر
۸. تحذیر (از کاری ترساندن)
۹. تعزیر (سرزنش کردن)
۱۰. حد (اندازه و حد)
۱۱. قصاص
۱۲. لعنت و نفرین
۱۳. مقابله با گردنکشان.

◀ مهارت ارزشیابی پیشرفت تمصیلی (کتبی)

واژه‌ها: امتحان، آزمون، ارزشیابی

امتحان: عبارت است از فرایند پی بردن به میزان یادگیری‌های فراگیر.

آزمون: وسیله تعیین میزان تغییرات ایجاد شده در رفتار است.

ارزشیابی: فرایند مقایسه اطلاعات جمع‌آوری شده باملاکی از پیش تعیین شده به منظور قضاوت و تصمیم‌گیری است.

انواع آزمون‌های کتبی پیشرفت تمصیلی

۱. عینی

- چند گزینه‌ای
- صحیح و غلط
- جورکردنی.

۲. انشائی (تشریحی)

- کوتاه پاسخ
- محدود پاسخ
- گسترده پاسخ.

وجه تسمیه (عینی): چون در نمره‌گذاری مستقل از قضاوت و نظر شخصی مصحح هستند.

• سوالات چندگزینه‌ای

سافتار

تنه (ساقه، پایه) سوال

۱. جمله پرسشی

۲. جمله ناقص^۱ مثل «تعریف اصول دین عبارت است از . . .»

گزینه‌های پیشنهادی

۱. گزینه کلید

۲. گزینه‌های انحرافی.

انواع

۱. تنها گزینه درست

۲. کاملترین گزینه

۱. بهتر است تنه سوال برای گروه‌های کم سن و سال از نوع پرسشی و برای گروه‌های بزرگسال از نوع ناقص ناقص استفاده شود..

قواعد

۱. مفهوم مورد پرسش در تنه سوال بیاید.
۲. پرهیز از به کار بردن عبارتهای تکراری در گزینه‌ها.
۳. استفاده نکردن از کلمات و عبارتهایی نظیر همه موارد، هیچ کدام، الف و ب.
۴. طول گزینه‌ها حتی المقدور برابر باشند.
۵. اگر گزینه‌ها عددی هستند چینش آن‌ها مبتنی بر یک منطق باشند.
۶. گزینه‌های انحرافی باید به گونه‌ای نوشته شوند که توجه افراد بی‌اطلاع را جذب کنند.

◀ مهارت فلک مثال های راه گشا

مثال خوب و مناسب، مثل کلیدی است که به قفل بسته می خورد و به راحتی آن را می گشاید.

◀ مهارت گوش دادن

مربیانی که این مهارت را دارند می توانند با مخاطبان خود ارتباط عمیق و بی کم و کاستی برقرار نمایند. مطالعه بر روی افراد شاغل در زمینه‌های متفاوت، نشان داده است که ۷۰ درصد لحظه‌های بیداری افراد به برقراری ارتباط می‌گذرد. از این زمان نوشتن ۹ درصد، مطالعه ۱۶ درصد، صحبت کردن ۳۰ درصد و گوش کردن ۴۵ درصد را به خود اختصاص می‌دهد. اما با این وجود، متأسفانه فقط عده معدودی از افراد شنوندگان خوبی به شمار می‌روند. محققان مدعی‌اند که حتی در سطوح اطلاعاتی خاص و وقتی که شنونده برای کسب معلومات گوش می‌دهد نیز ۷۵ درصد ارتباط کلامی نادیده گرفته می‌شود، اشتباه درک می‌شود و یا به سرعت فراموش می‌شود. توانایی گوش کردن، برای درک معنای عمیق آنچه افراد می‌گویند، از این هم نادرتر است و شاید بر همین اساس بوده که نقل می‌کنند حضرت عیسی (ع) فرمود: اگر چه یک گوش تو کاملاً شنواست، اما گوش دیگری ناشنواست.» بیشتر اوقات حرف‌های گوینده از یک گوش وارد می‌شوند و از گوش دیگر خارج می‌شوند. در جامعه ما یکی از دلایل عمده گوش کردن نامناسب، آن است که بیشتر ما آموزش مقدماتی بسیار عمیقی را برای گوش نکردن دریافت می‌کنیم. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که عدم استفاده صحیح از این مهارت، موجب ناتوانی افراد در حل مشکلات اعم از خانوادگی و یا شغلی می‌شود. اما این مهارت نیز همچون سایر مهارت‌ها، کسب کردنی و آموختنی است، کافی است به برخی نکات و اصول لازم در این خصوص توجه و عمل کنیم تا از نیروی حاصل از آن در پیشگیری از مسائل و حل مشکلات موجود و نیز برقراری روابطی سازنده بهره‌مند شویم. از جمله این

نکات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. این نکات ساده در قالب جملاتی بیان شده است که توجه به آن‌ها در رفتار عملکرد موجب تقویت گوش دادن فعالانه و موثر می‌شود.

- در حین رویارویی با هر مراجعه‌کننده‌ای اعم از همکاران و یا اعضاء خانواده‌ام تا زمانی که کاملاً متوجه موضوع نشده‌ام، زمان گفت‌وگو را به بعد موکول نمی‌کنم.
- در طول صحبت کردن طرف مقابل، مشغول قضاوت و ارزش‌گذاری کلام او در ذهن خودم نیستیم.
- بدون پیشداوری و فارغ از شنیده‌های قبلی‌ام به سخنان طرف مقابل گوش می‌کنم. به این ترتیب ذهن من با نگاهی تازه به تحلیل مسئله مورد نظر می‌پردازد.
- بعد از اتمام حرف طرف مقابل به خود فرصت فکر کردن دهم. مجبور نیستم بلافاصله تصمیم گرفته و چیزی بگویم.
- در طول گفت‌وگو تلاش می‌کنم که اصل کلام و منظور طرف مقابل را درک کنم و به برداشت ذهنم اکتفا نکنم.
- کوتاه و روشن سخن می‌گویم تا فرصت لازم برای درک کلامم و نیز صحبت کردن از طرف مقابل وجود داشته باشد.
- برای ذکر مصادیق در حرفهایم از خاطرات دور و دراز خود که تعریف آن‌ها زمان زیادی صرف می‌کند و رشته کلام را نیز از هم می‌گسلد، پرهیز می‌کنم.
- در حین گفت‌وگو با حرکات سر و کلمات مناسب تمایل و علاقمندی خود را به شنیدن نشان می‌دهم.
- می‌دانم خشم مانع فهم درست معانی خواهد شد، بنابراین در این زمان تلاش می‌کنم با سکوت بیشتر و توجه به بیان و احساس‌گوینده موجب کنترل خشم در خود شوم.
- در مواقعی که احساس می‌کنم دقیقاً متوجه منظور طرف مقابل خود نشده‌ام، با جملات واضح‌تر و با استفاده از کلمات گوینده سوال می‌کنم.
- تا حد امکان سخن گوینده را قطع نمی‌کنم. اما اگر از نظر زمان در تنگنا باشم، این مورد را با لحن مناسبی مطرح می‌کنم و حتماً قرار گفت‌وگوی بعدی را معین می‌کنم.
- در هنگام شنیدن با بدنی مایل به جلو و در فاصله‌ای مناسب رودرروی طرف مقابل قرار می‌گیرم و با وضعیتی گرم و پذیرا، هشیاری همراه با آرامش خود را به او انتقال می‌دهم.
- در حین گوش دادن سعی می‌کنم عوامل محیطی مزاحم را به حداقل برسانم مثلاً تلویزیون و رادیو را خاموش کنم، گاهی حتی تلفن را قطع کنم و یا در را ببندم.
- در گفت‌وگو با طرف مقابل سعی می‌کنم سؤالات کمتری بپرسم تا او وقت بیشتری برای سخن گفتن داشته باشد و هدایت مکالمه به دست او باشد.
- در صورت نیاز به پرسش، از سؤالات (آن‌هایی که به پاسخی بیشتر از یک کلمه احتیاج دارند) باز استفاده می‌کنم.

- همواره به ارزش سکوت در گوش دادن فکر می‌کنم و می‌دانم که نقطه آغاز فرد، سکوت و گام دوم آن گوش دادن است.
- در هنگام سکوت به سخنان طرف مقابل می‌اندیشم و سعی می‌کنم احساس او را بفهمم.
- می‌دانم که زمانی باید ساکت بود و زمانی باید سخن گفت. مراقب هستم تا سکوت نامطلوب میان ما ایجاد نشود.
- تظاهر به فهمیدن نمی‌کنم و هر زمان که به هر علت مثل خیال‌پردازی و فکر کردن به آنچه او قبلاً گفته بود، متوجه باقی حرفهای او نشدم، از او می‌خواهم که سخنش را تکرار کند.
- می‌دانم گفتن این جمله که «دقیقاً می‌دانم چه احساسی داری» مانع سخن گفتن او می‌شود. بنابراین تلاش می‌کنم که همراه او باشم.
- همدلی گوش دادن با قلب و سر است، بنابراین گرمی و صمیمیت و تن صدا و نحوه بیان من می‌تواند همدلی مرا نشان دهد.
- فراموش نمی‌کنم گوش دادن فعالانه گاهی تنها کاری است که در کمک به برخی از افراد برای رسیدن به حل مشکلاتشان لازم است، بنابراین گوش کردن من گاهی بسیار موثرتر از ارائه راه‌حل یا تلاش برای مشکل‌گشایی است.

◀ مهارت در تعیین تکلیف مناسب و ذوق انگیز

مهارت تعیین تکلیف نوعی انتقال مدرسه به خانه است. تکالیفی که مربی مشخص می‌کند باید با سطح توانایی‌ها و قابلیت‌های فراگیران متناسب باشد این فعالیت‌ها باید قدرت فکر و خلاقیت‌های فراگیران را تقویت کند. مربی باید تکلیف را طوری تعیین کند تا مکمل درس جدید و پیش‌نیاز درس آینده باشد.

◀ مهارت ارتباط غیر کلامی

ارتباطات غیر کلامی عبارتست از کلیه پیام‌هایی که افراد علاوه بر خود کلام، آن‌ها را نیز مبادله می‌کنند. طرز قرار گرفتن، راه رفتن، ایستادن، حرکات، چهره و چشم‌ها، لحن صدا، طرز لباس پوشیدن و ... جمله‌گی نشانه‌های ارتباطات غیر کلامی هستند. بنابراین توجه به کلیه موارد فوق می‌تواند در نحوه ارتباط با مخاطب و جذب وی موثر واقع شود. مخاطب در بدو مواجهه با شما با دیدن نشانه‌های غیرکلامی در مورد شخصیت شما قضاوت می‌کند. لذا باید تلاش نماییم تا شخصیت مثبتی در ذهن مخاطب از خود به جا بگذاریم تا در مورد ما قضاوت خوبی داشته باشد. اصولاً در مراودات اجتماعی بیشتر بر نشانه‌های غیر کلامی اعتماد می‌کنند تا بر نشانه‌های کلامی پس نشانه‌های غیر کلامی را تقویت کنیم. نخستین برخورد و نخستین تاثیری که بر مخاطب می‌گذاریم بسیار اهمیت دارد. بد نیست بدانیم که کلام ۷ درصد، لحن و طنین ۳۸ درصد و حرکات (که ارتباطات غیرکلامی در آن دخیل هستند) ۵۵ درصد اطلاعات را منتقل می‌کنند.

بسیاری بر این باورند که همواره ارتباطات غیر کلامی بر ارتباطات کلامی از نظر صحیح بودن ارجحیت دارد. چرا که علامات غیر کلامی از درون انسان نشات گرفته و اغلب نمی توان آن ها را کنترل کرد و اکثر انسان ها از مهار کردن هیجانات خود عاجز هستند، ناکامی را نمی توانند نادیده بگیرند و نشان ندهند و شغف را دیر یا زود با حرکات خود به دیگری انتقال می دهند.

عمده ترین فعالیت های فیزیکی غیر کلامی

به طور کلی عمده ترین فعالیت های فیزیکی غیر کلامی ۱۲ مورد با ترکیب زیر است. این فعالیت ها مربوط به فیزیک ماست که در برخی از این فعالیت ها به طور ویژه توضیح داده می شوند.

۱. فرم موها و محاسن (بخش عمده ای از اختلافات والدین ایرانی با جوانان در رابطه با فرم موی آن هاست)

۲. حرکات چشم و ابرو (چشم، صادق ترین عضو ارتباطات غیر کلامی است)

۳. فرم گریستن (نالیدن، زار زدن و ...)

۴. فرم خندیدن (تبسم، زهرخند، نیشخند، قهقهه و ...)

۵. لحن کلام: (۷۰ درصد از افراد به خاطر لحن کلام از ما می رنجند)

۶. حرکات سر

۷. حرکات دست (حرکات دست میزان نشاط یا افسردگی را نشان می دهد. دست فعال ترین عضو ارتباطات غیر

کلامی است)

۸. فرم ایستادن (فرم ایستادن میزان اعتماد به نفس را نشان می دهد)

۹. فرم راه رفتن (فرم راه رفتن نشانه میزان قدرت و توانایی است)

۱۰. فرم نشستن (نشستن در مراودات اجتماعی ایرانیان اهمیت خاصی دارد)

۱۱. فرم لباس پوشیدن (فرم لباس پوشیدن اولین تصویر و تاثیر را در ذهن دیگران از ما شکل می دهد)

۱۲. وسایل همراه (کلاه، کیف، تسبیح و ...).

◀ مهارت مدیریت کلاس

منظور از مهارت مدیریت کلاس درس، طیف وسیعی از تکنیک های ارتباطی، مدیریتی و تدابیر آموزشی است که برای تسهیل در امر آموزش، بالا بردن مدت زمان یادگیری، ایجاد و تداوم فضایی دلپذیر و خوشایند در کلاس، به کار برده می شود. این تکنیک ها متضمن ممانعت از رفتارهای نابسامان و خلل آفرین و حاکمیت نظم و انضباط بر کلاس درس است.

چهار قانون مدیریت کلاس

۱. آنها را وارد کنید .

این قانون سه مرحله دارد:

- الف) خوش آمد گفتن، مربی با حضور خود قبل از ورود شاگردان نقش میزبان را اجرا می‌کند.
- ب) نشستن، ترتیب نشستن براساس نوع درس، سن فراگیران و ماهیت فعالیت آموزشی متفاوت خواهد بود.
- ج) شروع کردن بدون معطلی درس، به ساعت، ترتیب ورود فراگیران و میزان آمادگی ذهنی آنان بستگی دارد.

۲. آنها را (ها) کنید .

برخی صاحب نظران مطرح می‌کنند که «ساختار پایان درس به دنبال احساس آرامشی که از تمام شدن آن حاصل می‌شود براحتی پایان یافته تلقی می‌شود». بنابراین مربیان باید در مرحله نتیجه گیری از درس و تعطیل کردن، کلاس را مدنظر قرار دهند. زیرا اگر یک جلسه‌ی سودمند، با سر و صدا، هرج و مرج و فشارهایی خاتمه یابد، اثر پایدار تجربه یادگیری مفید از دست رفته و توسعه روابط مطلوب میان مربی و کلاس ضایع می‌شود.

۳. پیشرفت در آن

«آن» به بخش اصلی درس، ماهیت، محتوا و سبک ارائه محتوای درس دلالت می‌کند، احساس اعتماد به نفس در شاگردان و شایستگی در موضوع درسی خاص، تا حد زیادی به توانایی مربی جهت پیشروی در درس بستگی دارد. مشکلات یادگیری و مسائل رفتاری حاصل از آن اغلب به دلیل اینکه محتوای درس با توانایی شاگردان مطابقت ندارد، ایجاد می‌شود.

۴. همگامی با آنان

مربیان روابط شخصی پسندیده با فراگیران خویش را از طریق پروراندن اعتماد متقابل توسعه می‌دهند. برای اینکه این امر بنحو مؤثری انجام شود لازم است مربیان نسبت به هر فراگیر بعنوان یک فرد، آگاهی داشته و نسبت به کلاس بعنوان یک مجموعه حساس باشند.

◀ مهارت نفوذ در دیگران

اصول و شیوه های نفوذ در دیگران و رهبری مؤثر به قرار زیر است:

(۱) انتقاد، شکایت و محکوم نکنید.

(۲) صادق باشید.

(۳) در دیگران انگیزه ایجاد کنید.

۴) ذاتاً به دیگران علاقه مند باشید.

۵) همیشه حتی در هنگام مشکلات و سختی ها خنده رو باشید.

۶) به یاد داشته باشید که نام هر فردی زیباترین و مهمترین کلمه است.

۷) شنونده خوبی باشید. دیگران را تشویق کنید در مورد خود صحبت کنند.

۸) براساس علایق دیگران صحبت کنید.

۹) طوری رفتار کنید که دیگران احساس کنند مهم هستند و هر کاری که از دستتان بر می آید صادقانه برایشان انجام

دهید.

۱۰) بهترین راه موفقیت در بحث، اجتناب از آن است.

۱۱) به «نظر» دیگران احترام بگذارید. هرگز نگوئید «اشتباه می کنید»

۱۲) اگر اشتباه کردید، سریع و صادقانه آن را بپذیرید.

۱۳) دوستانه صحبت کنید.

۱۴) طوری صحبت کنید که طرف مقابل همیشه در پاسخ تان «بله» بگوید.

۱۵) اجازه دهید طرف مقابل بیشتر صحبت کند.

۱۶) اجازه دهید طرف مقابل احساس کند از شما برتر است.

۱۷) صادقانه همه چیز را از نگاه طرف مقابل ببینید.

۱۸) با عقاید و آرزوهای مثبت و سازنده دیگران همراه شوید.

۱۹) با افراد مثبت و انگیزه دهنده دوست باشید.

۲۰) عقایدتان را به دیگران تحمیل نکنید.

۲۱) خود را با علائم غیرکلامی طرف مقابل هماهنگ کنید.

۲۲) صادقانه از دیگران تعریف کنید.

۲۳) اشتباهات دیگران را غیر مستقیم تذکر دهید.

۲۴) قبل از انتقاد از دیگران در مورد اشتباهاتتان صحبت کنید.

۲۵) به جای دستور صریح، سؤال کنید.

۲۶) در دیگران احساس امنیت ایجاد کنید.

۲۷) هر پیشرفت جزئی و هر نکته مثبتی را تحسین کنید.

۲۸) مشوق باشید و بکوشید اشتباه دیگران را آسان و قابل اصلاح نشان دهید.

۲۹) بگذارید افراد از انجام پیشنهادات شما خوشحال شوند.

۳۰) اگر برای کسی کاری انجام می دهید، انتظار جبران نداشته باشید.

◀ مهارت تثبیت و تفهیم عقیده دینی

علاوه بر انجام درست وظایف توسط مربی موارد دیگری نیز وجود دارد که در تثبیت عقاید دینی دانش آموزان نقش بسزایی دارد که به مواردی در این زمینه اشاره می شود:

الف: تغییر در ساختار کتب درسی مدارس در بیشتر درس ها:

وظیفه آموزش و پرورش تنها انتقال فرهنگ گذشته به نسل جدید نیست. بلکه فراهم کردن شرایطی است که نسل جدید، خود فرهنگ و تجربیات نسل بزرگسال را بازسازی کند و از نو در فرایند باز آفرینی و بهسازی آن بکوشد. بنا بر این باید در تألیف کتب درسی و محتوای آن بر این محور تأکید بیشتری شود.

باید هدف اصلی در کتابهای درسی تفکر و تعمق بیشتر و برانگیختن دانش آموزان به طرح سؤالات بیشتر باشد نه حفظ پاسخ های بیشتر.

بدیهی است چنان چه دانش آموزان بتوانند به درستی بیندیشند و از طریق اندیشه در آیات خلقت و نمودهای هستی، خردورزی و تدبر کنند خود به خود به اهداف تربیت دینی که همانا خدا باوری، دین مداری و عشق به زیبایی و حقیقت است نزدیک می گردند. چه بسا اگر دروس فیزیک و شیمی و هندسه به شیوه درست و معنی دار و هدفمند تدریس شوند و به تفکر در آیات هستی پردازند بیشتر از دروسی که از نظر محتوی جنبه ارزشی و اخلاقی دارند ولی به سبک غلط و با اکراه و اجبار و به صورت اندوخته های ذهنی و حفظی به دانش آموزان ارائه می گردند اثر تربیتی داشته باشند.

تربیت دینی تنها آموزش احکام و آداب و شرایع دین نیست، که اینها گام های ابتدایی و اولیه به شمار می آید و در سطح دانستن و ذهن باقی می ماند اما فراتر از آن تربیت دینی پدیدار شدن نیروی عشق و محبت و ستایش خداوند در انسان و عشق به ارزشهای الهی و نیاز به عبودیت و پرستش حضرت حق تعالی است که این ارزشها باید در نگارش کتابها مورد توجه قرار گیرد. تا ان شاء الله به کمک معلمان دلسوز، عالم و عامل، موجب هدایت قلبی و رسوخ و نفوذ ایمان در دلها شود.

ب: بهترین نوع دعوت، دعوت نکردن است!:

بهترین نوع دعوت و تأثیر گذاری زمانی است که مربی به صورت عملی تحت تأثیر قرار بگیرد. یعنی ما باید زبان «کردار» را جایگزین زبان «گفتار» کنیم.

گرچه روش سخنرانی در میان دیگر روش ها هنوز جایگاه خود را حفظ کرده اما در حقیقت نصیحت و سخنرانی باید بیشتر به عنوان ابزار انگیزش تفکر به کار رود تا صرفاً انتقال اطلاعات.

ج: مفاهیم دینی به صورت غیر مستقیم ارائه گردند:

تجربه نشان داده معمولاً چیزهایی که به صورت غیر مستقیم ارائه شوند بیشتر ثمر می دهند.

از روشهای غیر مستقیم می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - داستان های هدفدار:

که در قرآن کریم به تعدادی از این داستانها اشاره شده است، مانند داستان اصحاب کهف، که هدف از این داستان تربیت نسل با ایمانی است که دوستدار توحید بوده و از شرک بیزار است. یا داستان حضرت یوسف (ع) این داستان ما را از اختلاط زنان و مردان برحذر می دارد، و در مورد عواقب خطرناک آن به ما هشدار می دهد. و داستانهای دیگری که مفاهیم دینی را بیان می کنند ...

۲- فیلم و تصاویر power point:

در این زمینه هم کارهای خوبی انجام شده و خود معلمین با سلیقه، می توانند کارهای خوب و جذابی تهیه نمایند و با توجه به امکاناتی که در اکثر مدارس هست اینها را برای دانش آموزان به نمایش بگذارند. و با توجه به نمونه های عملی که در این زمینه شخصاً انجام داده ام بسیار مورد استقبال دانش آموزان قرار گرفته است. استفاده از شعر های آموزنده و حفظ آنها مخصوصاً در دوران کودکی و خواندن به صورت دسته جمعی نیز می تواند مفید باشد.

۳- تشکیل اردوها و رفتن به گردش های تفریحی:

باید در نظر داشته باشیم که عقاید و افکار دینی را در شرایط و موقعیت مناسب برای دانش آموزان جا بیندازیم و در این گردشها و اردوهاست که این موقعیتها پیش می آید و مربی باهوش می تواند از فرصتهای به دست آمده ارزشها و احکام دینی را برای دانش آموزان تفهیم کند. چیزهایی مثل: احترام به حقوق یکدیگر، رعایت نظم و بهداشت، ایثار و از خود گذشتگی، شوخیهای بجا و درست، غیبت نکردن، مسخره نکردن صداقت، فروتنی، همکاری، بردباری، مسئولیت پذیری، صلح، آزادیهای صحیح، واحکام دینی مثل نماز مسافر (قصر و جمع) و را دانش آموزان می توانند در قالب بازی ها و کارهایی که برایشان پیش می آید یاد بگیرند.

مربی دلسوز باید سعی کند در این گردش های دسته جمعی الگوی خوبی برای بچه ها باشد و این الگو یابی را خود دانش آموز برگزیند. چه بسا کار خوب یک دانش آموز هم مورد توجه بقیه قرار بگیرد معلم نیز باید آن دانش آموز را تشویق کند و کار خوب او را تحسین نماید تا همه به انجام آن کار (ترغیب) شوند.

ما باید کاری کنیم که نوجوانان به الگوهای متعالی عشق بورزند نه اینکه با تبلیغ و تحمیل (بدون تمایل و نیاز درونی آنها) این الگوها را به آنان عرضه کنیم. به عبارتی دیگر باید ترتیبی اتخاذ کنیم که چهره های مطلوب و مورد تأیید، خود به خود و به طور طبیعی محبوب دانش آموزان واقع شوند و آنها از روی انگیزه درونی (شوق درونی) آرزوی همانند سازی با آنها را داشته باشند ولی برعکس اگر قبل از انجام این (ترغیب) مرتب به (تبلیغ) بپردازیم مانند این است که به فردی که احساس گرسنگی نمی کند به طور دایم غذا و آب نشان دهیم، این گونه تغذیه کردن بی موقع، حتی ممکن است گرسنه شدن و تشنه شدن فرد را به تأخیر بیندازد و اشتهای او را کور کند. البته توضیح این نکته ضروری است که نشان دادن و معرفی الگوها واسوه ها امری ضروری و مطلوب است. همچنان که خداوند الگو و اسوه را برای ما معرفی می کند آنجا که می فرماید: « لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا. » (احزاب، ۲۱/ ۳۳)

۴- شرکت در نماز جماعت و جمعه به صورت گروهی:

حضور معلم همراه با دانش آموزان در نماز جمعه و جماعت در خارج از محیط مدرسه به صورت دسته جمعی و همچنین شرکت در اعیاد دینی مثل عید فطر و قربان و مراسم شب های قدر در علاقه مندی آنها به دین و تثبیت عقاید اسلامی مؤثر می باشد .

۵- معرفی و نمایش کتاب و سی دی هایی که به معرفی اعجاز قرآن پرداخته است:

مواردی چون اعجاز بلاغی ، نمایشی ، عددی ، اعجاز قرآن در آسمانها و زمین ، انسان و کتابهای خوبی نیز در این زمینه به چاپ رسیده است

گفته های اندیشمندان غیر مسلمان در مورد عظمت و منحصر به فرد بودن قرآن ، و گزارشی از وضعیت رو به رشد مردم کشورهای اروپایی و آمریکایی در گرایش به دین اسلام و انتشار آمار در این مورد، و خاطرات تازه مسلمانان در مورد علت گرایش و علاقه مندی شان به اسلام می تواند در تثبیت عقاید اسلامی و پایبندی بیشتر در عمل کردن به احکام اسلامی مؤثر باشد .

نتیجه گیری: برای تثبیت عقاید دینی در دانش آموزان نهادهای مختلفی مؤثرند که بدون همکاری و هماهنگی بین این نهاد ها نمی توان به نتیجه مطلوبی رسید . در این میان نقش معلم از همه بارزتر و اساسی تر است. مسئولین رده بالای کشور نیز باید به مقوله تربیت دینی و ارزش های انسانی و اسلامی با دیدی وسیع تر و جدی تر نگاه کنند . تبدیل کردن مدارس به محیطی با صفا و فرح بخش به عنوان مکانی برای آموزش مفاهیم دینی حائز اهمیت است .

ساختن فیلم ها و تألیف کتاب هایی که به طور غیر مستقیم مفاهیم دینی و ارزش های انسانی و اسلامی را آموزش می دهند بسیار مؤثر خواهد بود . انتخاب معلمان متعهد و دلسوز و علاقه مند به شغل معلمی و مهم تر از همه سرمایه گذاری کلان در امر تربیت کودکان ، نوجوانان و جوانان ؛ به صورت زیر بنایی، جامعه ای سالم و پرتحرک و مقید به ارزش های انسانی و اسلامی را نوید می دهد .

◀ مهارت جمع بندی

جمع بندی در ابتدا باید توسط فراگیران انجام شود و سپس مربی برای تکمیل آن مطالبی را اضافه کند. عبارات و

جملاتی که بیان گر مهارت جمع بندی است عبارتند از: از درس امروز چه نکاتی فهمیدیم ؟

چه نتیجه ای می گیریم ؟

چه کاربردی دارد ؟

خلاصه ی درس را توضیح دهید ؟

◀ مهارت در پایان دادن به درس

دو روش در این مورد مهم تر است که: روش شناختی و روش اجتماعی می باشد. نخستین روش به تحکیم آنچه که آموخته اند و دومین روش منجر به این می گردد که به دانش آموزان احساس توفیق دست می دهد که سبب ادامه کوشش و جدیت می گردد. مربی باید با عبارات و جملات خوشایند و مثبت جلسه ی درس را به اتمام رساند تا خاطره ی خوش از کلاس در ذهن فراگیران باقی بماند.

سربلند و سرافراز باشيد